

بعضی‌ها آدامس را برای مزه‌اش می‌خورند، بعضی‌ها هم برای خوش بوکنندگی‌اش. اما گاهی - و شاید بیشتر وقت‌ها - آدامس می‌شود بازیچه دهان! انگار برای بازی و سرگرمی می‌خوردندش. این طوری تا هر وقت که بخواهد با آن بازی می‌کند و وقتی دیگر به دردش نخورد، بیرون می‌اندازدش.

داستان ما و دین و دنیا هم همین‌طور است. دین را مانند آدامس در دهان می‌چرخانیم و آن قدر بازی‌اش می‌دهیم تا دیگر هیچ لذتی برای خودمان و هیچ فایده‌ای برای دنیایمان نداشته باشد. آن وقت خیلی راحت آن را بیرون می‌اندازیم و دنیا را بندگی می‌کنیم! خیلی وحشت‌ناک است، نه؟ اما این حقیقتی است که امام حسین علیه السلام فرموده‌اند:

إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا وَالِدِّينُ لَعُقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ
فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبُلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ

مردم بنده دنیا هستند و دین بازیچه زبان آن‌هاست؛ تا جایی که دین وسیله زندگی آن‌هاست، دین دارند و چون در معرض امتحان قرار گیرند، دین‌داران کم می‌شوند.

شاید بتوان به این روایت یک تبصره زد، و آن این که روایت برای کسانی است که «حسینی» نبوده‌اند. پس هر کس خواست از این بلا نجات یابد، باید «حسینی» شود و محرم بهترین فرصت است برای «حسینی شدن».